

اخبار سیاهکل به مناسبت هشت مارس مصاحبه کوتاهی با پروانه قاسمی، از فعالان کمونیست کرده که در زیر می خوانیم.

مصاحبه اخبار سیاهکل با پروانه قاسمی

اخبار سیاهکل: آیا شما به جنبش مستقل زنان باور دارید؟
پروانه قاسمی: آری، من به جنبش مستقل زنان نه تنها باور دارم بلکه اصرار هم دارم. اگر به تاریخ مبارزات اجتماعی و طبقاتی نگاهی بیاندازیم به روشنی در می یابیم که زنان همواره علیه شرایط ناهنجار کار و زندگی خودشان مبارزه کرده اند و نیز همگام با مردان، ضد رژیم های دیکتاتوری و ضد مردمی مشترکاً اقدام نموده اند ولی متأسفانه، علی رغم نقش و سهم مهمی که زنان در انقلابات اجتماعی ایفاء نموده اند، در فردای انقلاب به مشکلات و مسائل آنها کمتر و یا اساساً توجه نشده است. انقلاب های بورژوایی به دلیل ماهیت خود هیچ وقت قدمی در راه آزادی و رهایی از نظام مردسالاری و کسب حقوق مساوی زنان با مردان برنداشته اند. در جنبش کمونیستی هم با این که در تئوری و حرف مسائل و مشکلات عدیده زنان همواره مطرح شده اند ولی در عمل کمتر در جهت تحقق این تئوری ها کوشش شده است. خصوصاً پس از شکست انقلاب اکتبر مدت کمی پس از کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیست روسیه، اساساً این تئوری ها هم به فراموشی سپرده شدند. به نظر من یکی از مسائل اساسی انقلابات اجتماعی مسئله زنان و آزادی و رهایی آنان از قید و بندهای سنتی و تحقق برابری جنسی است که چنانچه به این نکته توجه نشود، هیچ انقلابی به سرانجام نخواهد رسید. من موفقیت برای رسیدن به جامعه ای آزاد و رها را در این می بینم که جنبش مستقل زنان بتواند در این روند شکل و محتوای انقلابی خود را تکامل دهد. فراموش نکنیم که مسئله زنان تنها مسئله جامعه بورژوایی نیست بلکه در درون اغلب جریانات مدعی کمونیسم هنوز روابط میان زن و مرد در کلیت خود متأثر از روابط کهنه و ارتجاعی سنتی است. بنا بر این زنان در عین حال که همراه و همگام با مردان در مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری شرکت می کنند، به دلیل سلطه فرهنگی و اجتماعی مردسالاری در جامعه سرمایه داری، ناگزیرند علیه بازتاب و تأثیرات آن در میان نیروهای انقلابی، از محل کار گرفته تا روابط در خانواده، در احزاب و سایر نهادهای اجتماعی نیز مبارزه کنند. البته باید بگویم که منظور من از جنبش مستقل زنان، جنبشی است که مستقل از دولت ها و جریانات بورژوایی در هر شکل آن باشد. این جنبش خصلتاً نمی تواند مستقل از مبارزه طبقاتی و جدا از همزمان و همزنجیران مرد علیه سرمایه جهانی به اهداف رهایی بخش خود نائل گردد. درست به همین دلیل است که بورژوازی و عوامل آن در جنبش کارگری همواره تلاش می کنند تا با جدا کردن مبارزه زنان از دیگر اقشار و طبقات محروم جامعه آن را به کجراه بکشند. باید تأکید نمود که دشمنان ما مردان نیستند، دشمن ما نظام سرمایه داری است که مردسالاری از اجزای لاینفک آن است. عامل اصلی نابرابری جنسی و اجحاف نسبت به زنان و مردان نظام سرمایه داری است که روابط استثمارگرانه خود را در تمامی ابعاد زندگی ما گسترانده است و از محیط کار گرفته تا خانه و مدرسه و ...، حتا مردان مبارز را نیز در اشکال مختلف تحت تأثیر خود قرار داده است. زدودن این

تأثیرات که هم زنان و هم مردان را شامل می‌شود، تنها در یک مبارزه مشترک و متحد زنان و مردان علیه نظام سرمایه‌داری امکان پذیر است.

ا. س.: تعریف‌های مختلفی از فمینیسم می‌شود و گاهی پسوندها و پیشوندهایی به آن افزوده می‌گردد، نظر شما در این باره چیست؟

پ. ق.: فمینیسم در حقیقت جنبشی برای رهایی زن از قید و بندهای جامعه سنتی، مذهب و روابط اجتماعی عقب‌مانده و متحجر است. بنا بر این جنبش فمینیستی در ماهیت و اهداف خود با مذهب، نظام مردسالار و اجحاف اجتماعی نه تنها در تضاد که ناگزیر در مبارزه است. از آن جا که مسئله زن در جامعه طبقاتی یکی از مشکلات اساسی این جامعه است و جنبش زنان (فمینیستی) یک جنبش وسیع و تعیین‌کننده در مبارزات اجتماعی و طبقاتی است، از این رو بورژوازی می‌کوشد با نفوذ در جنبش زنان و نیز در جنبش کارگری، این جنبش‌ها را از یک دیگر جدا ساخته آن را به انحراف بکشاند. جمهوری اسلامی با ابداع فمینیسم اسلامی کوشید مبارزات رو به رشد زنان در ایران را منحرف ساخته و برای این منظور از دست‌اندرکاران خود در داخل و خارج مدد گرفت تا با تئوریزه کردن این معجون ضدزن به تحمیق زنان ایران پردازد. این کوشش رژیم البته چندان هم بی‌فایده نبود و توانست در خارج از کشور برخی افراد و انجمن‌های به اصطلاح فمینیستی را به دام بیاندازد و حتا این جریان‌های جایزه‌هایی نیز به فمینیست‌های اسلامی دادند. این نشان می‌دهد که آن جریان‌های فمینیستی که وضعیت زن در جامعه را از مبارزه سیاسی و طبقاتی جدا می‌کنند، نه تنها در جهت تحقق حقوق اجتماعی و آزادی زن حرکت نمی‌کنند بلکه خود سرانجام در خدمت منافع بورژوازی قرار می‌گیرند. تازه‌ترین نمونه در این رابطه اعطای جایزه صلح نوبل به خانم عبادی است که دیدیم چگونه عده‌ای از "فمینیست‌های ایرانی در خارج و داخل را به دنبال خود کشاند. در این هیاهو نه تنها برخی از جریان‌های و افراد مدعی فمینیسم به دنبال برنامه‌های امپریالیستی افتادند و این جایزه را "پیروزی" زنان ایران قلمداد کردند بلکه برخی سازمان‌های سیاسی به اصطلاح انقلابی و کمونیست نیز سمت و سوی مبارزه طبقاتی را گم کرده و آتش‌بیار معرکه بورژوازی شدند. بنا بر این جنبش فمینیستی، جنبشی اجتماعی، سیاسی و طبقاتی است که تنها با سمت‌گیری سوسیالیستی در مبارزه طبقاتی علیه سرمایه‌داری می‌تواند به اهداف خود دست یابد.

ا. س.: وضعیت عمومی زنان ایران در حال حاضر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پ. ق.: وضعیت زنان در جمهوری اسلامی هر روز بیش از پیش رو به وخامت گذارده و کار به جایی رسیده که زنان و دختران جوان برای امرار معاش و گذران زندگی خود و فرزندان خویش به تن‌فروشی می‌پردازند. رژیم جمهوری اسلامی به خرید و فروش زنان و دخترچکان در ایران و خارج از ایران مشغول است و ... بیکاری، گرسنگی و دریدری در ابعاد وسیعی رشد کرده و در این میان زنان در بی‌حقوقی کامل به سر می‌برند. بیشمار زنانی در این رژیم شکنجه، سنگسار و اعدام می‌شوند و همه این‌ها در حالی است که زنان بیش از گذشته در مبارزات اجتماعی نقش مهمی ایفاء کرده و بیش از پیش در صحنه مبارزه دیده می‌شوند. در سال گذشته ما شاهد مبارزات دانشجویی، معلمان، کارگران و سایر اقشار محروم جامعه بوده‌ایم که حضور چشمگیر زنان در هر زمینه برجستگی خاصی داشته است. این مبارزات بار دیگر هراس جمهوری اسلامی را برانگیخت تا جایی که به بهانه‌های مختلف با اعزام عوامل خود به خارج از کشور سعی کرد چهره دیگری از زنان ایران در افکار عمومی نشان دهد. در این میان حامیان جهانی جمهوری اسلامی دست به کار شدند تا چهره سیاه و ضدزن اسلام و جمهوری

اسلامی را بزرگ کنند. در این رابطه است که اعطای جایزه صلح نوبل به خانم عبادی اهمیت می‌یابد تا شاید از این طریق مرگ جمهوری اسلامی را چند صباحی به تأخیر بیاورند.

علی‌رغم کوشش‌های عبث جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست آن و تلاش برخی جریان‌های اپوزیسیون، از به اصطلاح چپ گرفته تا سلطنت طلب و ...، که هر از گاهی با شعارهای رنگارنگی چون انواع جمهوریخواهی، دموکراسی برای ایران، رفاندم و ...، به صحنه می‌آیند تا به نجات رژیم سرمایه‌داری ایران بشتابند، مبارزات زنان همراه با مبارزات کارگران و زحمتکش‌ان همچنان رو به گسترش و تعمیق است.

ا. س.: پیام شما برای ۸ مارس امسال _ ۱۳۸۲ برابر با ۲۰۰۴ _ چیست؟
پ. ق.: پیام من به زنان ایران در یک جمله این است: پیش به سوی پیوند مبارزات زنان با کارگران و زحمتکش‌ان ایران و جهان در راه سوسیالیسم!